

Original Article

Investigating the Realization of Economic Justice in Resistance Economics and its Relationship with Citizenship Rights

Mehri Toutounchian¹, Seyyed Mohammad Reza Emam^{2*}

1. Ph.D. student in Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: mremam@ut.ac.ir

Received: 6 Feb 2018 Accepted: 13 Aug 2018

Abstract

The theory of resistance economy is one of the most important theories that have been offered in the domain of economy. Many commentators believe that this theory is not merely of economic aspects in crisis conditions rather it not only pays attention to the principles of resistance, dignity, collective interests, Jihad, equality and economic justice and observation of the social rights of minorities and two important principles of dignity and justice it also provides the ground for realization of the citizenship rights. This significant issue has been assayed in the current article from the point of view of the jurisprudential aspects in the charter of citizenship rights, constitution and institutional and official documents of the country. Since citizenship rights are the bedrock of resistance economy and provides the ground for realization of economic justice in the society informing people and teaching them their citizenship rights provides the required grounds for the realization of goals of resistance economy and improvement of the business environment, because the requirements of the realization of resistance economy will be provided by the fulfillment of the citizenship rights. Therefore, we need correct implementation of laws in the light of Islamic culture and principles as well as successful experiences of indigenization around the world via national will and mutual understanding of the government, parliament and people. Then, before turning to the central problem of this article we need to explain the concepts of economic justice, resistance economy, and citizenship rights. The current study has been conducted based on library based and documented research and seeks to assay the policies of resistance economy in order to cast light on the interconnectedness of these policies and its relation with the domain of citizenship rights towards the realization of economic justice and distribution justice, creation of welfare and dynamicity based on production and employment.

Keywords: Resistance Economy; Citizenship Rights; Economic Justice; Allocation and Distribution Justice

Please cite this article as: Toutounchian M, Emam SMR. Investigating the Realization of Economic Justice in Resistance Economics and its Relationship with Citizenship Rights. *Bioethics Journal*, Special Issue on Citizenship Rights, Autumn 2018; 43-53.

بررسی تحقق عدالت اقتصادی در اقتصاد مقاومتی و رابطه آن با حقوق شهروندی

مهری توتونچیان^۱، سیدمحمد رضا امام^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: mremam@ut.ac.ir

دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۷ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۲۲

چکیده

نظریه اقتصاد مقاومتی، یکی از مهم‌ترین نظریه‌های مطرح‌شده در حوزه اقتصاد است. از نظر بسیاری از مفسرین، این نظریه دارای ابعاد صرف اقتصادی در شرایط بحران نیست و ضمن توجه به اصول مقاومت، عزت‌مندی، مصالح جمعی، جهاد، تساوی و عدالت اقتصادی و رعایت حقوق اجتماعی اقلیت‌ها و دو اصل مهم کرامت و عدالت، زمینه‌های تحقق حقوق شهروندی را نیز فراهم آورده است. این موضوع مهم با رعایت کامل جنبه‌های فقهی، در منشور حقوق شهروندی، قانون اساسی و اسناد نهادی و رسمی کشور مورد بررسی قرار گرفته است. از آنجا که حقوق شهروندی زیربنای اقتصاد مقاومتی و بستر ساز تحقق عدالت اقتصادی در جامعه می‌باشد، آگاهی‌بخشی به مردم و آموزش حقوق شهروندی، زمینه‌های لازم را برای نیل به اهداف اقتصاد مقاومتی و بهبود فضای کسب و کار فراهم می‌سازد، چراکه مقتضیات تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی با تحقق حقوق شهروندی، ایجاد خواهد گردید. بنابراین با توجه به فرهنگ و اصول اسلامی، تجربیات موفق دنیا و بومی‌سازی آن‌ها، باید با عزم ملی و همدلی بین دولت و مجلس و مردم، در اجرای صحیح قوانین کارآمد دقت شود، لذا ضروری است تا پیش از ورود به بحث اصلی، مفاهیم عدالت اقتصادی، اقتصاد مقاومتی و حقوق شهروندی به خوبی تبیین گردد. پژوهش حاضر، با استفاده از روش‌های تحقیقی میدانی و مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای، درصدد بررسی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است تا لزوم به هم پیوستگی این سیاست‌ها و رابطه آن با حوزه تحت شمول حقوق شهروندی در راستای تحقق عدالت اقتصادی و عدالت توزیعی، ایجاد رفاه و پویایی اقتصاد مبتنی بر تولید و اشتغال، به خوبی روشن شود.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی؛ حقوق شهروندی؛ عدالت اقتصادی؛ عدالت تخصیصی و توزیعی

مقدمه

هر نظام اقتصادی همواره در مجموعه‌ای از اصولی تجسم می‌یابد که زیربنای چارچوب خاص تنظیم فعالیت اقتصادی است. از یکسو این مجموعه از اصول بر بینش فلسفی ویژه‌ای درباره فعالیت اقتصادی مبتنی است و از سوی دیگر، تعامل این اصول چارچوب فعالیت اقتصادی را تشکیل داده که آن را به مسیر مطلوب این نظام هدایت می‌کند. بدین روی، در هر نظام اقتصادی، سه جزء فلسفه اقتصادی، مجموعه اصول و روش تحلیل عمل که متغیرهای اقتصادی را تعیین می‌کند، جزء اصول اساسی و مهم است. برخی معتقدند که اقتصاد مقاومتی یک نظام اقتصادی است که اقتصاد سرمایه‌داری، اقتصاد سوسیالیستی و اقتصاد اسلامی را در عرض هم قرار می‌دهد، اما چنین تعبیری صحیح نیست، چون این فرضیه مطرح است که اقتصاد مقاومتی مترادف اقتصاد اسلامی است (۱). واژه اقتصاد مقاومتی در سال ۱۳۸۹ از سوی مقام معظم رهبری، مطرح شد. در اواخر سال ۱۳۹۲، مقام معظم رهبری، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را بر اساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی به رؤسای قوای سه‌گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های اقتصاد مقاومتی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله ابلاغ فرمود. مروری بر عناوین مطرح‌شده برای سال‌های اخیر از جانب مقام معظم رهبری، نشان از توجه و اهتمام ایشان به مسائل اقتصادی است. عناوین سال‌های اخیر، تأکید بر عامل اقتصاد، معیشت و فضای کسب و کار دارد:

- ۱- نوآوری و شکوفایی (سال ۱۳۸۷ ش.)؛
- ۲- اصلاح الگوی مصرف (سال ۱۳۸۸ ش.)؛
- ۳- همت مضاعف و کار مضاعف (سال ۱۳۸۹ ش.)؛
- ۴- جهاد اقتصادی (سال ۱۳۹۰ ش.)؛
- ۵- تولید ملی؛ حمایت از کار و سرمایه ایرانی (سال ۱۳۹۱ ش.)؛
- ۶- حماسه سیاسی، حماسه اقتصادی (سال ۱۳۹۲ ش.)؛
- ۷- اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی (سال ۱۳۹۳ ش.)؛
- ۸- دولت و ملت؛ همدلی و هم‌زبانی (سال ۱۳۹۴ ش.)؛
- ۹- اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل (سال ۱۳۹۵ ش.).

برخی بر این باورند که اگر مقصود مقام معظم رهبری از اقتصاد مقاومتی همان نظام اقتصادی اسلام بود، وجهی نداشت که به جای تأکید بر تحقق نظام اقتصادی اسلام و بیان ویژگی‌های آن، از اصطلاح اقتصاد مقاومتی استفاده کرده و بر تحقق آن تأکید کند، در نتیجه اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری، شکل خاصی از نظام اقتصادی اسلام است که در وضعیت تهدید و فشار اقتصادی دشمن پدید می‌آید (۱)، اما استدلال مذکور در تفسیر اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبری، لزوماً باید در ظرف اقتصاد اسلامی باشد، چراکه مقام معظم رهبری در سخنان متعددی بر ضرورت در نظر گرفتن مبانی، ارزش‌ها و دستورهای اسلامی در علوم انسانی و از جمله علم اقتصاد و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تأکید نمود (۲).

نکته مهم این‌که گرایش به اقتصاد مقاومتی، مخصوص ما نیست. امروزه در بسیاری از کشورها - به خصوص در این سال‌های اخیر - با تکانه‌های شدید اقتصادی، کشورهای متعددی به دنبال مقاوم‌سازی اقتصاد برآمدند. اقتصاد سرمایه‌داری با مشکلاتی که ناشی از این اقتصاد بود، از غرب و آمریکا به بسیاری از کشورها سرازیر شد. از این رو اقتصاد جهانی در کل مرتبط به یکدیگرند که طبعاً کشورها کم و بیش متأثر از این مشکلات می‌شوند، لذا اقتصاد مقاومتی امری نیست که فقط مختص به کشور ایران باشد، بلکه این ایده ناب اقتصادی می‌تواند در سایر کشورها نیز مورد استفاده قرار گرفته و مثمر ثمر باشد، ضمن این‌که همین تئوری می‌تواند در بسیاری از ابعاد به عنوان مکمل حقوق شهروندی عمل نموده و حتی باعث تقویت آن شود، زیرا حقوق شهروندی و اقتصاد مقاومتی مبادی مشترکی دارند. نقطه آغازین اقتصاد مقاومتی و عدالت اقتصادی، رعایت حقوق شهروندی است (۱)، لذا با بررسی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، لزوم به هم پیوستگی این سیاست‌ها و رابطه آن‌ها با حوزه تحت شمول حقوق شهروندی در راستای تحقق عدالت اقتصادی - عدالت تخصیصی و عدالت توزیعی - به خوبی روشن می‌شود. عدالت اقتصادی در شکلی صریح و ساده، این‌گونه تبیین می‌شود: عدالت اقتصادی عبارت است از پرداخت حقوق اقتصادی به صاحبان آن‌ها، عدالت اقتصادی به اعتبار انواع صاحبان حقوق،

۱- عدالت اقتصادی

«عدل» به معنای میانه‌روی در امور و نقطه مقابل جور یا ستم است (۳)؛ شهید مطهری (ره)، «عدل» را در چهار معنا استعمال کرده است: ۱- موزون‌بودن که نقطه مقابل ظلم نیست، بلکه بی‌تناسبی است؛ ۲- تساوی و نفی هر گونه تبعیض؛ ۳- رعایت حقوق افراد و عطا کردن به هر ذی‌حق، حق خودش را؛ ۴- رعایت استحقاق‌ها در افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه و رحمت به آنچه امکان یا کمال وجود دارد (۴). در اصل، عدل یعنی حد وسط بین افراط و تفریط به گونه‌ای که زیاده یا نقیصه‌ای در کار نباشد (یعنی اعتدال و تقسط حقیقی). به این جهت، عدل بر اعتدال، مساوات، قسط، استواء، و استقامت اطلاق می‌شود (۵).

اقتصاد، از واژه «اِیکُنُمیا» در زبان یونان باستان گرفته شده که از ترکیب دو کلمه «اِیکُس» به معنای خانواده و «نُمُس» به معنای روش یا قانون» می‌باشد که با هم به معنای «قواعد خانه (خانوار)» است (۶) و علم اقتصاد، به تشریح حیات اقتصادی و پدیده‌های آن و ارتباطشان با عوامل کلی آن‌ها می‌پردازد. ژان باپتیست سه در سال ۱۸۰۳، هم‌زمان با جداکردن علم اقتصاد از کاربرد آن در سیاستگذاری عمومی، آن را به عنوان علم تولید، توزیع و مصرف ثروت تعریف می‌کند (۷).

عدالت اقتصادی متضمن نظم فردی و اجتماعی در حوزه اقتصاد است و اصول اخلاقی را اعطا می‌کند تا در ساز و کارها و نهادهای اقتصادی تجلی یابند. این ساز و کارها و نهادها تعیین می‌کنند که چگونه شخص در زندگی کار و کسب انجام دهد، وارد قراردادها شود، با دیگران کالاها و خدمات را مبادله کند و علاوه بر این، بنیاد مادی مستقلی را برای معیشت اقتصادی‌اش ایجاد کند (۸).

از دیدگاه اسلام، عدالت اقتصادی به معنای فرآیند تصمیم‌گیری مبتنی بر اسلام است که امور را به سه امر الهی، امور عمومی و امور خصوصی تقسیم می‌کند. عدالت اقتصادی، در زمینه تولید به عدالت در حفظ و گسترش ثروت، یعنی رشد اقتصادی پایدار، در زمینه توزیع به عدالت در توزیع ثروت و در زمینه مصرف یا رفاه اقتصادی یا تقلیل کمبود کالاها و خدمات

به دو بخش عدالت تخصیصی (پرداخت حقوق اقتصادی اموال) و عدالت توزیعی (پرداخت حقوق اقتصادی انسان‌ها) تقسیم می‌شود. بهره‌برداری از اموال (مصرف اموال) در چارچوب قاعده حفظ ماهیت قوامی آن برای فرد و جامعه و به صورتی که حداکثر تولید، زایش و رشد را داشته باشد، لازمه اجرای عدالت اقتصادی تخصیصی و توزیع اموال طبیعی و تولیدشده بین انسان‌ها، با رعایت حقوق ایجادشده ناشی از کار، مالکیت اصل و رعایت قاعده نیاز اولیه، شرط لازم برای اجرای عدالت اقتصادی توزیعی است. بر اساس تعریف فوق، معیارهای عدالت اقتصادی در دو حوزه تخصیصی و توزیعی را می‌توان در پنج مورد ذیل خلاصه نمود:

- ۱- حفظ جایگاه قوامی اموال (محصولات نهایی) در مصرف؛
- ۲- حداکثرسازی قابلیت تولید و نمو منابع تولید؛
- ۳- حق برخورداری برابر و عادلانه از منابع و ثروت‌های طبیعی؛
- ۴- رعایت قواعد سهم‌بری عوامل تولید؛
- ۵- رفع نیازهای اولیه همه (تأمین و توازن اجتماعی).

بر این اساس در وضعیت کنونی اقتصاد ایران و با وجود شکل معاصر خصومت‌های اقتصادی، برقراری عدالت اقتصادی و تحقق معیارهای تخصیصی و توزیعی آن مستلزم شکل خاصی از رفتارهای مصرفی، تولیدی و دولتی (حکومتی) است. این شکل خاص رفتاری، جزء نرم‌افزاری اقتصاد مقاومتی به عنوان نسخه معاصر نظام اقتصادی اسلام است. حاصل کلام آنکه، در راستای تحقق عدالت اقتصادی، آگاهی‌دادن و آموزش حقوق شهروندی به مردم، زمینه‌های لازم برای رسیدن به اهداف اقتصاد مقاومتی و ایجاد عدالت اقتصادی را جهت بهبود فضای کسب و کار فراهم می‌کند (۱).

با توجه به این‌که هدف از این پژوهش، رسیدن به معنای حقیقی اقتصاد مقاومتی و ارتباط آن با حقوق شهروندی است، پیش از ورود به بحث اصلی ضروری است تا مفاهیم عدالت اقتصادی، اقتصاد مقاومتی و حقوق شهروندی تبیین گردد و چگونگی بسترسازبودن حقوق شهروندی و اقتصاد مقاومتی برای تحقق عدالت اقتصادی در جامعه تفصیلاً مورد کنکاش قرار گیرد.

که هدف نهایی خرده نظام اقتصادی اسلام است، به آموزه کفایت می‌رساند (۹). با جمع‌بندی مفهوم «عدالت اقتصادی» بر حسب کاربرد آن در متون اسلامی، مستقلاً چهار مفهوم دارد که هریک در قلمرو خاص خود شاخصی ارائه می‌دهد:

۱- تساوی، یعنی رعایت برابری در زمینه استحقاق‌های مساوی و اعطای هر حقی به صاحب حق است (۹)؛

۲- «دادن حق هر صاحب حق به آن؛ اعطاء کل ذی حق حقه» (۱۰)، یعنی اگر رفتار افراد و کارکرد نظام بر محور حق باشد، این عملکرد عادلانه است. جامعه‌ای که در آن هر فرد به حق خود دست پیدا کند، عدالت‌مدار است (۱۱)؛

۳- عدم تفاوت فاحش درآمدی: در اسلام، تفاوت فاحش طبقات درآمدی پذیرفته نیست و جمع مال و ثروت محدودیت دارد. با توجه به آیه ۲۵ سوره حدید «لِيُقْوَمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (۱۲) اسلام اجازه نمی‌دهد که عده محدودی، حتی به واسطه قدرت و ابتکار خود، از ثروت نجومی برخوردار گردند و عده زیادی محروم بمانند. قرآن با احترام به مالکیت خصوصی و به رسمیت‌شناختن آن، از تداول ثروت بین اغنیا ممانعت کرده است. توازن و عدم فاصله فاحش بین طبقات مختلف جامعه، اصلی اساسی در توزیع و رفع فقر و یکی از ارکان تحقق عدالت اقتصادی است (۱۳)؛

۴- اعتدال: حد وسط و دوری از افراط و تفریط می‌باشد که در قرآن کریم از اوصاف عبادالرحمان شمرده شده است که قوام و اعتدال را رعایت می‌کنند (۱۲). در کلمات قصار نهج‌البلاغه آمده است که: «العدل يضع الامور مواضعها» (۱۴). در قلمروهای اقتصادی مانند تولید و مصرف، اعتدال در به کارگیری عوامل تولید و اعتدال در مصرف، همان عدل به معنای «وضع الشيء في موضعه» است (۱۵).

شناسایی و اجرای عدالت اقتصادی به عنوان یکی از مفاهیم موصوف عدالت، مستلزم شناخت حقوق اقتصادی و صاحبان این حقوق و بررسی نحوه و شرایط واگذاری این حقوق است. صاحبان حقوق اقتصادی، به دو دسته اموال و انسان‌ها تقسیم می‌شود. گروهی از صاحبان حقوق اقتصادی،

اموال هستند که مفهومی اعم از عوامل تولید و کالاهای قابل مصرف است. در این تعریف، انسانی که دارای قدرت تولید باشد، به عنوان یک عامل تولید، یک مال است و دارای ارزش، و دوم انسان‌ها، فارغ از جنبه تولیدکننده‌بودن، دارای شأنی دیگر هستند که از سوی خداوند متعال به آن‌ها اعطا شده است. بر مبنای این اصل، انسان‌هایی که قدرت فعالیت و تولید ندارند، مستحق بهره‌مندی از امکاناتی در سطح خاص هستند (۱۶)، لذا عدالت اقتصادی مشتمل بر دو جزء است: یکی پرداخت حقوق اقتصادی اموال؛ دیگری پرداخت حقوق اقتصادی انسان‌ها که در اصطلاح، اولی را عدالت اقتصادی تخصیصی و دومی را عدالت اقتصادی توزیعی نامند.

- عدالت اقتصادی تخصیصی: شهید مطهری (ره) با بیان مبنای طبیعی حقوق، فلسفه حقوق طبیعی را استعدادهای طبیعی می‌داند و هر استعداد طبیعی، منشأیی برای یک حق طبیعی است (۱۷). بر این اساس در خصوص حقوق طبیعی اموال، توجه به استعدادهای طبیعی آن‌ها، نکته‌ای کلیدی است. فایده‌رسانی، از خصوصیات و استعدادهای اصلی اموال دارای ارزش ذاتی، کمیاب و مفید به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم است. فایده‌رسانی مستقیم اموال که ناشی از استفاده به عنوان محصول نهایی است نیز صورت فردی و یا اجتماعی دارد. خداوند متعال در آیه پنجم از سوره مبارکه نساء «و لا توتوا السفهاء اموالکم التي جعل الله لکم قیاما» (۱۲) افراد و جامعه را از استفاده سفیهانه از اموال برحذر می‌دارد، چراکه اموال مایه قوام به مفهوم پایداری، استواری و استحکام فرد و جامعه است. فایده‌رسانی غیر مستقیم اموال به معنای استفاده از اموال به عنوان عامل تولید، جهت تولید اموال دیگر است. در این معنا، اموال به عنوان عوامل و واسطه‌های تولید، دارای استعداد تولید اموال دیگر هستند. بدین لحاظ استفاده عادلانه از اموال در نقش عوامل تولید مستلزم شکوفایی استعداد آن‌ها در تولید، نمو و زایش، در حداکثر ممکن است. بنابراین مفهوم عدالت اقتصادی تخصیصی را می‌توان این‌گونه جمع‌بندی نمود که اجرای عدالت اقتصادی تخصیصی، مترادف است با اعطای حقوق اموال. بر این اساس در استفاده عادلانه از اموال، لازم

است اولاً نقش قوامی اموال برای فرد و جامعه حفظ شود؛ ثانیاً حداکثرسازی بازدهی تولیدی اموال به عنوان عوامل، نهادها و منابع تولید رعایت شود. در مقام تمثیل، بهره‌گیری عده قلیلی از افراد جامعه، از اموالی که مورد نیاز و حاجت اجتماعی است و انحصار آن، با عدالت تخصیصی در تعارض است. حبس نقدینگی (کنز) و حبس اموال مورد نیاز جامعه (احتکار) دو مثال در این زمینه هستند که در نصوص فقهی، به شدت مورد مذمت، مخالفت و برخورد قرار گرفته است. همچنین استفاده از فردی با تخصص فنی و مهندسی در آموزش علوم انسانی، استفاده از فناوری‌های پیشرفته در فعالیت‌های کاربر، استفاده از زمین مستعد برای باغ کاری جهت زراعت و... همه از مصادیق نقض عدالت اقتصادی تخصیصی به شمار رفته که به نوعی اتلاف و اسراف می‌باشد (۱۸).

ـ عدالت اقتصادی توزیعی: به معنای رعایت حقوق اقتصادی انسان به ماهو انسان مد نظر است و شخصیت وی به عنوان عامل تولید (نوعی مال) لحاظ نمی‌شود. عدالت اقتصادی توزیعی، توزیع اموال بین انسان‌هاست. اموال به دو دسته طبیعی و تولیدشده تقسیم می‌شود. اموال طبیعی مثل منابع طبیعی، اموالی هستند که بدون دخالت انسان در تولید، به صورت طبیعی وجود دارند، اما اموال تولیدشده مثل محصولات صنعتی و کشاورزی، اموالی‌اند که انسان در تولید یا پردازش آن‌ها مؤثر است. شهید صدر (ره) در کتاب اقتصادنا در خصوص اموال، پرداخت حقوق انسان‌ها از اموال طبیعی را با عنوان توزیع پیش از تولید و پرداخت حقوق انسان‌ها از اموال تولیدشده را توزیع پس از تولید نامیده است (۱۹). در خصوص توزیع پیش از تولید، برداشت شهید صدر (ره) از قاعده اسلامی، حق برداشت عمومی به تناسب میزان فعالیت و کار است. بر این اساس، افراد به نسبت تلاشی که برای بهره‌برداری از اموال طبیعی می‌کنند، در آن اموال، صاحب حق هستند. در خصوص توزیع پس از تولید، دو قاعده اساسی مطرح می‌شود: یکی قاعده حق کار بدین مفهوم که نیروی کار، در محصول تولیدشده دارای حق است؛ دیگری قاعده تبعیت‌نما از اصل، یعنی محصول تولیدشده متعلق به صاحب ریشه (مال یا سرمایه اولیه) است و سایر همکاران در تولید (نیروی کار) مستحق

اجرت و یا حق‌العمل هستند (۲۰). علاوه بر قواعد مذکور در توزیع پس از تولید و توزیع پیش از تولید، قواعدی نیز در بحث توزیع مجدد قابل طرح است که قاعده نیاز اولیه، تأمین نیازهای اولیه افراد ناتوان از درآمد سایر افراد، از آن جمله است (۲۰).

حاصل کلام آنکه، عدالت اقتصادی، پرداخت حقوق اقتصادی به صاحبان آن‌هاست که به اعتبار انواع صاحبان حقوق، به دو بخش عدالت تخصیصی (پرداخت حقوق اقتصادی اموال) و عدالت توزیعی (پرداخت حقوق اقتصادی انسان‌ها) تقسیم می‌شود. بهره‌برداری از اموال در چارچوب قاعده حفظ ماهیت قوامی آن برای فرد و جامعه و به صورتی که حداکثر تولید، زایش و رشد را داشته باشد، لازمه اجرای عدالت اقتصادی تخصیصی و توزیع اموال طبیعی و تولیدشده بین انسان‌ها، با رعایت حقوق ایجادشده ناشی از کار، مالکیت اصل و رعایت قاعده نیاز اولیه، شرط لازم برای اجرای عدالت اقتصادی توزیعی است (۱۸).

۲- اقتصاد مقاومتی و مبانی فقهی آن

اقتصاد مقاومتی بنیان نظری برای مدل‌سازی گونه ویژه‌ای از اقتصاد است که فعالان خود را برای مواجهه با تحریم‌ها، بیش از پیش آماده ساخته است. مکانیسم‌های اقتصادی، فضای کسب و کار، تجارت خارجی، نهادهای مالی و واسطه‌ای و... در اقتصاد مقاومتی مبتنی بر این پیش‌فرض طراحی می‌شوند که کشور در تعارض ایدئولوژیک دائمی با نظام سلطه است و هر ضربه اقتصادی از غرب ممکن است در هر لحظه به کشور وارد شود (۲۵).

نکته بسیار مهم این‌که آیا اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که روش‌های برون‌رفت از بحران اقتصادی را نشان می‌دهد یا این‌که دارای ابعاد و توانمندی‌های دیگری نیز هست؟ به نظر می‌رسد در این خصوص بیانات مبدع این تئوری بسیار راه‌گشا باشد، ایشان در این خصوص چنین می‌گویند: «خب، سؤال این است که آیا مطرح‌کردن «اقتصاد مقاومتی» در شرایط کنونی، به معنای این است که ما یک حرکت مقطعی می‌خواهیم انجام بدهیم؟ چون حالا کشور دچار تحریم و دچار فشار و دچار جنگ اقتصادی است، هم‌چنانکه مثلاً هیأت‌های

فکر و عمل برای مقابله با جنگ اقتصادی تشکیل می‌شود، این سیاست‌ها را برای این ابلاغ کرده‌ایم؟ جواب این است که نه به هیچ‌وجه این‌جوری نیست؛ این سیاست‌ها، سیاست‌های بلندمدت است؛ برای امروز هم مفید است، برای دورانی که هیچ تحریمی هم ما نداشته باشیم مفید است، یعنی سیاست‌های بلندمدتی است که بنای اقتصاد کشور بر این‌ها گذاشته می‌شود» (۲۶).

در فقه اسلامی، اقتصاد مقاومتی جایگاه ویژه‌ای دارد که با بررسی مبانی آن، از جمله عدم تجمل‌گرایی، مقاومت و عزت‌مندی، موجبات رشد و توسعه کشور فراهم می‌شود.

- نفی لوکس و تجمل‌گرایی: در آموزه‌های اسلامی به طور کلی اقتصاد در نقطه مقابل اسراف قرار گرفته، چنانکه در کلامی امام جعفر صادق (ع) فرمودند: «إِنَّ الْقَصْدَ أَمْرٌ يَحِبُّهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ السَّرْفَ أَمْرٌ يَبْغِضُهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ حَتَّى طَرَحَكَ النَّوَاةَ فَأَن هَا تَصْلُحُ لِشَيْءٍ وَ حَتَّى صَبَّكَ فَضْلُ شَرِّ ابْنِكَ؛ خداوند متعال اقتصاد و میانه‌روی را دوست دارد و اسراف و زیاده‌روی مورد خشم او است، حتی اگر اسراف در انداختن هسته خرمایی باشد که قابل مصرف است یا زیادی آبی که خورده شده، باشد» (۲۷). از این تعبیر حضرت استفاده می‌شود که اقتصاد همان استفاده بهینه از منابع و کالاست و عکس آن حیف و میل نمودن منابع، اسراف می‌باشد. بنابراین با این‌که اسراف پدیده‌ای است مذموم، حتی در مورد یک کالای بسیار بی‌ارزش و به ظاهر غیر قابل اعتنا، اما در عین زیاده‌روی در مصرف و حیف و میل مواد غذایی به عنوان هنجار در جامعه به وضوح دیده می‌شود. در بخش تولید، تولید کالاهای لوکس، پرخرج و تشریفاتی، خود نوعی هدر دادن سرمایه‌ها، وقت و نیروی انسانی است. اگر منابعی که صرف تولید برخی کالاهای لوکس و تجملی می‌شود، در بخش صنعت و کشاورزی سرمایه‌گذاری گردد، موجب رشد و توسعه کشور خواهد شد.

- مقاومت: در آیه شریفه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»، استقامت انسان به این معناست که همواره ملازم طریقه مستقیم باشد. درباره چنین انسان‌هایی در آیه ۳۰ سوره فصلت آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ

قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا» (۱۲). در این آیات، مراد از جمله «ثُمَّ اسْتَقَامُوا» این است که مرتباً وسط راه باشند و دچار انحراف نگردند و بر سخنی که گفته استوار باقی بمانند، مثلاً در آیه ۷ سوره توبه «فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ» (۱۲) آمده است: مادام که کفار با شما معتدل بودند، شما هم برای آنان اعتدال داشته باشید و از وسط راه منحرف نگردید. در آیه ۱۱۲ سوره هود «و اسْتَقِيمْ كَمَا أُمِرْتُ...» و نیز در آیه ۴۹ سوره مائده «... لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ هُمْ» (۱۲)، به معنای راه میانه را پیش گرفتن و از هواهای ایشان پیروی نکردن آمده است. ماده «قوم» و مشتقات آن بر ماندگاری، ثبات، پایداری و استواری یا ایستادگی دلالت دارد (۲۸).

- عزت‌مندی: «عزت» حالتی است که مانع از مغلوب‌شدن انسان می‌گردد و «عزیز» از صفات و اسمای حسناى خداوند به معنای توانا و قادر است که غلبه پیدا می‌کند (۲۹). در قرآن کریم، عزت به معنای شرافت و توانایی است، چنانکه در آیه ۱۳۹ سوره نساء «أَيَبْتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً» (۱۲) به این موضوع اشاره نموده است. «عزیز» نیز در آیه ۲۰۹ سوره بقره از این ماده به معنای غالب، قاهر و پیروز است، «أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (۱۲). «تعزیز» به معنای تقویت در آیه ۱۴ سوره یس «إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ» (۱۲) آمده است. در مبحث اقتصاد مقاومتی، عزتمندی به عنوان یک مبنا، حالتی از اقتصاد است که در این حالت، اقتصاد یک کشور، دارای شرافت، قدرت، غلبه و قهر همراه با سخت کوشی فعالان اقتصادی خواهد بود. در تعامل با مشکلات، حالت نفوذناپذیری به خود می‌گیرد که غلبه پیدا می‌کند، ولی شکست دادن و غلبه کردن بر او آسان نباشد. رعایت کردن این مبنا در تمامی سیاست‌ها موجب عدم تسلط کفار بر جامعه اسلامی می‌گردد.

۱-۲- رابطه اقتصاد مقاومتی با حقوق شهروندی:

اقتصاد مقاومتی در حقیقت پرهیز از اسراف و تجمل، اصلاح الگوی مصرف، فرهنگ‌سازی برای مصرف داخلی، تقویت تولید

ملی، تکیه منابع و نیروی انسانی متخصص خودی، افزایش راندمان کاری و تشویق و فرهنگ‌سازی جهت واگذاری امور به بخش خصوصی و انجمن‌های مردم‌نهاد است. در این راستا، ارائه برنامه‌ها، راهبردها، سیاست‌های کلی و اجرایی، همه برای تبدیل وضعیت اقتصادی موجود به وضعیت اقتصادی مطلوب است. در واقع مقاومت در اقتصاد، جزء اصولی است که به مصالح اجتماعی توجه بیشتری دارد تا به مصالح فردی. این مهم را می‌توان نشانه‌ای از اقتصاد مقاومتی در حقوق شهروندی دانست (۳۰).

شهروند متعهد به معنای واقعی و مفهوم فعال آن، مکلف به مشارکت در کارهای سیاسی مثل اعلام رأی، اقتصادی، مثل تقویت تولید ملی، اجتماعی، مثل انجام‌دادن تکالیف گروهی و فرهنگی، مثل ایفای نقش در ساختار فرهنگی جامعه خویش است. حقوق شهروندی و اقتصاد مقاومتی مبادی مشترکی دارند. هدف از تحقق حقوق شهروندی در یک جامعه نیز ایجاد صلح و امنیت و آسایش مردم است، چگونه ممکن است بدون توجه و اهتمام به اقتصاد و معیشت مردم برای آنان امنیت و آسایش برقرار کرد. به عبارتی دقیق‌تر باید گفت داشتن اقتصادی شفاف و عاری از فساد حق ذاتی و بنیادین آحاد جامعه است و این همان تأمین حقوق بشر و حقوق شهروندی شهروندان است، لذا می‌توان گفت که حقوق و اقتصاد و مشخصاً بین حقوق شهروندی و اقتصاد مقاومتی به عنوان دکترین نوظهور جامعه ایرانی تراوایی وجود دارد. اقتصاد مقاومتی به مثابه الزام و ضرورتی در راستای بقای نظام، جهت دستیابی به عدالت، پیشرفت و تحقق آرمان‌های نظام به ویژه اهداف قانون اساسی و سند چشم‌انداز به عنوان اسناد بالادستی می‌باشد، لذا نظام اسلامی وظیفه دارد در این راستا شرایط لازم را جهت تحقق این آرمان‌ها و اهداف مهیا نماید. تأکید بر اقتصاد رقابتی به عنوان یک ضرورت و تمهید بسترها و ساز و کارهای آن در این راستا صورت می‌پذیرد که امنیت اقتصادی و رفاه عمومی، جزء حقوق شهروندان محسوب شده و از معیارهای لازم برای توسعه‌یافتگی کشورها به شمار می‌رود (۳۱).

حقوق مطرح در عرصه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، حقوقی هستند که در رشته‌های حقوق اقتصادی و حقوق

رقابت پیگیری می‌شوند. هدف اصلی حقوق رقابت این است که با جلوگیری از روندهای مخرب، مانع از ایجاد انحصار گردد و با حفظ رقابت موجب پویایی فضای تجارت و کسب و کار گردد. وقتی افراد در یک فضای بسیار مناسب و رقابتی بتوانند با اعتماد به سیستم کشوری ثروت خود را برای منفعت بیشتر در بخش‌های مختلف سرمایه‌گذاری کنند و به بازگشت آن اعتماد داشته باشند، برای رونق تولید وارد میدان می‌شوند. در واقع تضمین حقوقی مانند حق برابری در فرصت‌های اقتصادی و امکانات، حق آگاهی از فرآیند وضع و تغییر مقررات و برخورداری از اطلاعات شفاف برای شهروندان، به افراد سرمایه‌دار اجازه می‌دهد که با اعتماد کامل در یک فضای شفاف و رقابتی وارد فعالیت‌های سرمایه‌گذاری شوند. حقوق شهروندی در حوزه اقتصاد رقابتی، از مجرای فراهم‌آوردن حق برابری در فرصت‌های اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاران خصوصی که در چارچوب یک اقتصاد شفاف امکان رقابت دارند، در شرایط کنونی اقتصاد ایران که دولت توان لازم برای حضور در عرصه‌های اقتصادی را ندارد و نیازمند استفاده از توان بخش خصوصی است، می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی، ایجاد اشتغال و جذب سرمایه و افزایش تولید کمک قابل توجهی نماید. محور حقوق شهروندی، حکومت قانون و امنیت حقوقی شهروندان است و قوانین و مقررات نقشی قابل توجه در تعیین و تضمین حقوق شهروندان دارد. پدیده‌هایی چون تورم قوانین، ابهام قوانین و امکان تفاسیر دوگانه از آن، عدم سادانویسی قوانین و همه‌فهم‌بودن آن و عدم توجه متن قانون به سایر قواعد مرتبط موجود در نظام حقوقی ملی و در نتیجه بروز تعارض قوانین از شایع‌ترین آفات قانونگذاری در حوزه اقتصاد مقاومتی است. تدوین و گردآوری موضوعی قوانین نقش مهمی در شناخت مقررات از جانب شهروندان و همچنین در اصلاح قوانین موجود یا وضع قوانین جدید از سوی قانونگذار ایفا می‌کند که می‌تواند بخشی از خلأهای موجود در حوزه اقتصاد مقاومتی را مرتفع سازد. مطالبه شهروند و پاسخگویی حکومت در فضای کسب و کار، تسهیل‌کننده تحقق اقتصاد مقاومتی است. حقوق مصرف‌کننده و لزوم حمایت از آن، از حقوق شهروندی و وجه تعامل دو علم حقوق و اقتصاد می‌باشد. وجه

مشترک حقوق شهروندی و حمایت از مصرف‌کننده دامنه تعریف بسیار گسترده‌ای داشته و از دسترسی به هوای پاک تا کالاهای مورد نیاز، سلامت غذا و تأمین دارو را شامل می‌شود. حمایت از مصرف‌کننده باید به صورت حقی همگانی و عاری از تبعیض و از جنس حقوق شهروندی باشد. دولت به عنوان بزرگ‌ترین حامی مصرف‌کنندگان در راستای حمایت از حقوق شهروندان اقدام به تشکیل سازمان حمایت از حقوق مصرف‌کننده و تصویب قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده نموده است. اقداماتی که تاکنون در حوزه حمایت از حقوق مصرف‌کننده اتخاذ گردیده، لازم بوده، اما تحقق اقتصاد مقاومتی و بهبود فضای کسب و کار تمهید ساز و کارهای اجرایی مؤثرتری را می‌طلبد (۳۲).

۲-۲- قانون اساسی حامی اقتصاد مقاومتی: تأمین

اجتماعی به معنای امروزی، نقشی برجسته در حد مشکلات جامعه بازی می‌کند، زیرا هزینه بهداشت و درمان و زندگی به هنگام بیماری، بیکاری یا بازنشستگی از مسائل مهم خانواده‌ها به شمار می‌رود و تأمین خدمات مربوط به آن‌ها در چارچوب نظام تأمین اجتماعی تا اندازه زیادی از سنگینی بار اقتصادی بر دوش شهروندان می‌کاهد و مایه امنیت خاطر آنان می‌شود. اصل بیست و نه قانون اساسی برخورداری از تأمین اجتماعی به هنگام بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، پیش‌آمدن سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی به صورت بیمه را حقی همگانی شمرده و دولت را موظف کرده است بر پایه قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای برآمده از مشارکت شهروندان، خدمات و حمایت‌های یادشده را برای همه آنان فراهم کند (۳۳).

بر اساس قانون اساسی آزادی کار و شغل از پیامدهای آزادی شخصی و آزادی اقتصادی است، بدین معنا که شخص بتواند آزادانه به کار و شغل دلخواه خود در زمینه‌های گوناگون بپردازد و دولت یا شخص دیگری نتواند مانع او شود. این آزادی دربردارنده دو حق است: یکی انتخاب کار؛ دیگری اشتغال به آن (۳۴). بر پایه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اجبار افراد به کار معین و بهره‌کشی از دیگران ممنوع و مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند، از حقوق مساوی

برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود و همه افراد اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و هر کس حق دارد شغلی را که به آن مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. در ضمن دولت مکلف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید. این بند از جمله اموری است که در حوزه تئوریک اقتصاد مقاومتی به‌شدت مورد تأکید قرار گرفته است (۳۴).

بر اساس قانون اساسی آزادی رفت و آمد و اختیار مسکن نتیجه امنیت شخصی است و مفهوم آن این است که شخص هرگاه بخواهد در داخل کشور رفت و آمد کند و در هر جا که بخواهد زندگی کند و هرگاه بخواهد کشور را ترک کند یا به آن باز گردد و هیچ چیز نتواند این آزادی را از او بگیرد. آزادی رفت و آمد، نماد زندگی و فعالیت است و هنگامی کامل است که همراه با امنیت باشد و بی‌آن مفهومی خواهد داشت (۳۴).

حق مالکیت از حقوق بنیادی بشر شمرده شده که در هر جا و در همه کشورها همواره محترم بوده است. هر کس حق بهره‌مندی از اموال منقول و غیر منقول خود را دارد و کسی نمی‌تواند بی‌اذن مالک در مال او تصرف کند (الناس مسلطون علی اموالهم). حق مالکیت گذشته از مالکیت مادی، مالکیت معنوی را هم دربر می‌گیرد (۳۵).

نتیجه‌گیری

در نگرش اسلامی، حقوق شهروندی و اقتصاد مقاومتی مبادی مشترکی دارند و هدف هر دو تحقق عدالت اقتصادی است. نقطه آغازین اقتصاد مقاومتی و عدالت اقتصادی، رعایت حقوق شهروندی است. اقتصاد مقاومتی به مثابه الزام و ضرورتی در راستای بقای نظام، جهت دستیابی به عدالت اقتصادی، پیشرفت و تحقق آرمان‌های نظام به ویژه اهداف قانون اساسی به عنوان اسنادی برای حقوق شهروندی کشور می‌باشد. هدف از تحقق حقوق شهروندی در یک جامعه ایجاد صلح و امنیت و آسایش است و بدون توجه و اهتمام به اقتصاد و معیشت مردم نمی‌توان برای آنان امنیت و آسایش برقرار

شهروندی باشد، لذا تحقق اقتصاد مقاومتی بدون مشارکت مردم و بهره‌گیری از ظرفیت جوامع مدنی در کنار نهادهای دولتی فعال در حوزه حقوق شهروندی امکان‌پذیر نیست. آگاهی بخشی به مردم و آموزش حقوق شهروندی، زمینه‌های لازم را برای نیل به اهداف اقتصاد مقاومتی و بهبود فضای کسب و کار فراهم می‌سازد، چراکه مقتضیات تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی با تحقق حقوق شهروندی، ایجاد خواهد گردید، زیرا که حقوق شهروندی زیربنای اقتصاد مقاومتی و بستر ساز تحقق عدالت اقتصادی در جامعه می‌باشد.

کرد، لذا داشتن اقتصادی شفاف و عاری از فساد حق ذاتی و بنیادین آحاد جامعه است و این همان تأمین حقوق شهروندی شهروندان است. همچنین عدالت اقتصادی در عرصه‌های تولید، توزیع، مصرف، و فرصت‌ها و خدمات دولت ظهور پیدا می‌کند. معیار عدالت در توزیع فرصت‌ها برابری و مساوات و در توزیع کارکردی، استحقاقی سهمی است که با تراضی به دست می‌آید؛ معیار عدالت در رعایت حقوق نیازمندان، استحقاقی حد کفافی است؛ بدین معنا که حد کفاف زندگی برای نیازمندان باید تأمین شود؛ معیار عدالت در پرداخت حقوق مالی بستگان (نفقات واجب) استحقاقی اعتدالی است؛ بدین معنا که امکانات زندگی در حد شئون عرفی آن‌ها باید تأمین شود؛ معیار عدالت در تولید و سرمایه‌گذاری کارایی، بهره‌وری و عدم اسراف در بهره‌گیری از عوامل تولید است. بر این اساس، می‌توان گفت که حقوق و اقتصاد و عدالت، مشخصاً بین حقوق شهروندی و اقتصاد مقاومتی و عدالت اقتصادی به عنوان دکترین نوظهور جامعه ایرانی تراوایی وجود دارد.

لذا آنچه که به عنوان راه‌کارهای حمایت از حقوق شهروندی در اقتصاد مقاومتی بیان می‌شود، عبارت است از افزایش بهره‌وری در تولید، کاهش قیمت تمام‌شده تولیدات، کیفیت بهتر و خدمات بیشتر در رقابت با تولیدات خارجی و کاهش واردات، حمایت از تولید ملی به ویژه تولیدات استراتژیک. تدوین و گردآوری موضوعی قوانین نقش مهمی در شناخت مقررات از جانب شهروندان و همچنین در اصلاح قوانین موجود یا وضع قوانین جدید از سوی قانونگذار ایفا می‌کند که می‌تواند بخشی از خلأهای موجود در حوزه اقتصاد مقاومتی را مرتفع سازد و زمینه‌ساز عدالت اقتصادی گردد. مطالبه شهروند و پاسخگویی حکومت در فضای کسب و کار، تسهیل‌کننده تحقق اقتصاد مقاومتی است. حقوق مصرف‌کننده و لزوم حمایت از آن، از حقوق شهروندی و وجه تعامل دو علم حقوق و اقتصاد می‌باشد. وجه مشترک حقوق شهروندی و حمایت از مصرف‌کننده دامنه تعریف بسیار گسترده‌ای داشته و از دسترسی به هوای پاک تا کالاهای مورد نیاز، سلامت غذا و تأمین دارو را شامل می‌شود. حمایت از مصرف‌کننده باید به صورت حقی همگانی و عاری از تبعیض و از جنس حقوق

References

1. Mir Moezi SH. Islamic economy, resistance economy and its requirements (focusing on the viewpoint of Supreme Leader). *Islamic Economy Journal* 2012; 12(47): 49-73.
2. Speeches of Supreme Leader of Resistance Economy Policies. 2013.
3. Fiomi A. Al- Misbah al-Monir. Qom: Hijrat; 2005.
4. Motahari M. Theodicy. Tehran: Sadra Press; 1988.
5. Ragheb Esfahani H. Al-Mufradat fi Gharib al-Quran. Damascus: Dar al-Elm; 1992.
6. Harper D. Online Etymology Dictionary - Economy. Lancaster. 2001. Available at: <http://www.etymonline.com>. Retrieved October 27, 2007.
7. Say JB. A Treatise on Political Economy; or the Production, Distribution and Consumption of Wealth. Transated by Prinsep MR. Edited by Biddle CC. Philadelphia: Grigg & Elliot; 1803.
8. Jahanian N. Globalization, Economic Justice and Mahdiism. *Enezar Journal* 2004; 7(19): 163-216.
9. Motahari M. Short Study of Economic Principles of Islam. Tehran: Hekmat; 1983. p.156-157.
10. Tabatabaei MH. Al-Mizan fi Tafsir al-Quran. Qom: Eslami; 1997. Vol.1.
11. Misbah Yazdi MT. Legal Theory of Islam. Qom: Imam Khomeini Research Institute; 2001.
12. Holy Quran.
13. Baqer Sadr SM. Our Economy. Qom: Boostan Book of Qom; 1979.
14. Razi SH. Nahj al-Balaghah. Qom: Mashhoor; 2000.
15. Rajaei SMK. Moalimi SM. An Introduction to the Concept of "Economic Justice" and Its Indices, Economic Episteme. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute; 2011. Vol.4 p.5-30.
16. Abd al-Maliki H. Comparative analysis of the role of private sector in the economic growth of Iran and Islamic theory of economy, Proceedings of National Conference on Islamic Economy. Tehran: Institute of Economy, Tarbyat Modarres University; 2003.
17. Motahari M. Woman Rights in Islam. Qom: Sadra Press; 1979.
18. Abd al-Maleki H. Islamic-Iranian Pattern of Regional Growth (An Introduction to the Concept, process and framework of planning). *Islamic Economy Studies Journal* 2012; 4(2): 21-51.
19. Sadr MB. Our Economy. Translated by Espahbodi AA. 2nd ed. Tehran: Islamic Press; 1979.
20. Sadr MB. Our Economu. Beirut: Dar al-Taarof li-Matbuaat; 1982.
21. Katoozian N. Philosophy of Law. Tehran: Public Joint Stock Company; 1998. Vol.3 p.442.
22. Rezaeipour A. Complete Series of Regulations and Codes of Citizenship Rights. Tehran: Aryan Press; 2006; p.9.
23. Ramezanpur R, Ranjbar AR, Zare S. Trans-national Sources of Citizenship rights. Tehran: Haq Gostar; 2015; p.8. Available at: <http://www.haghgostar.ir>.
24. Qari M. Concept of Citizenship in Legal System of Iran. Tehran: International; 2006.
25. Torabzadeh Jahromi MS, Sajadyyah SA, Samiei Nasab M. A Study of the aspects and factors of resistance economy of Islamic Republic of Iran in the thought of Ayatollah Khamenei. *Islamic Revolution Studies Journal* 2013; 10(32): 31-46.
26. Speeches of Supreme Leader to Qom People. Anniversary of Qom Uprising; 2014.
27. Horr Ameli M. Wasael al-Shia ela Tahsil Masael al-Sharia. Qom: Al-e al-Bayt Institute; 1992.
28. Qarashi Bonabi AA. Qamoos Quran. Tehran: Dar al-Kutub al-Islami; 1992.
29. Ibn Manzoor M. Lisan al-Arab. Qom: Adab; 1985.
30. Mir Moezi SH. Economic Jurisprudence and Islamic Economy. *Islamic Economics Quarterly* 2015; 59(15): 5-39.
31. Abd al-Maliki H, Davari M. Comparative study of fair economic system in the legal structure of Islamic Republic of Iran. *Bardasht-e Dovom Journal* 2009; 2(10): 25-26.
32. Abbasi M. Public Relations of Center for Medical Ethics and Law. Tehran: University of Shahid Beheshti; 2017. Available at: <http://www.emrc.sbm.ac.ir>.
33. Aqaei B. Culture of Human Rights. Tehran: Nashr-e Ganj-e Danish; 1997.
34. Assembly of Experts on the Constitution. Constitution of Islamic Republic of Iran. Tehran: Etelaat Institute; 1996.
35. Najafi R. Concept of Citizenship Rights and Guaranteeing Judicial Rights of Citizens in Iranian Legal System. MA Thesis. Tehran: University of Tehran; 2005.